***خزانه جواهرات ملی***

***حمدان مقدم***

**بسمه تعالی**

**درباره خزانه جواهرات ملی**

گنجينه بی‌مانند « خزانه جواهرات ملی » مجموعه‌ای از گرانبهاترين جواهرات جهان است که طی قرون و اعصار بدين صورت فراهم آمده است.
هر قطعه از اين جواهرات، گويای بخشی از تاريخ پرفراز و نشيب ملت بزرگ ايران و مبين ذوق و خلاقيت‌های هنری مردم اين مرز و بوم است که خاطرات تلخ و شيرين شکست‌ها، پيروزی‌ها، غرور و خودنمايی‌ها و فرمانفرمايی همراه با زور و نخوت زمامداران گذشته را تداعی می‌کند.
شما بازديد کننده عزيزی که به تماشای نفايس و گوهرهای اين مجموعه بی‌نظير می‌نشينيد، قبل از اينکه محو تلألو خيره‌کننده آن شويد، به علل تاريخی و چگونگی جمع‌آوری اين جواهرات بينديشيد و به مصداق « فاعتبروا يا اولی‌الابصار » قضاوت تاريخ و وجدان انسانهای آگاه و آزاده را درمورد گردآورندگان اين جواهرات دريابيد و اهداف آنان را از جمع‌آوری اين مجموعه بشناسيد.
گنجينه حاضر از يک طرف بيانگر فرهنگ و تاريخ کهن‌سال و پرتلاطم ملت ايران و گويای داستان بخشی از زندگی پرماجرای گذشتگان و از طرفی ديگر بازگوی قصه اشک‌های خاموش مردم ستمديده و جور کشيده است که نتيجه خودآرايی و فخر‌فروشی قدرتمندان و صاحبان زور در دوران گذشته بوده است.
انگيزه ما از ارائه اين جواهرات، شناخت بيشتر فرهنگ و تاريخ ايران و پندگرفتن از عاقبت زورمداران و زراندوزان تاريخ است. با اين هدف، مجموعه حاضر که به ما سپرده شده است در معرض ديد و قضاوت شما قرار می‌گيرد.
اهميت جواهرات موجود در "خزانه جواهرات ملی" به ارزش اقتصادی آن محدود نمی‌گردد، بلکه نمايانگر ذوق و سليقه صنعتگران و هنرمندان ايران در دوره‌های مختلف تاريخ و به عنوان ميراث تاريخی، هنری، نماينده هنرهای مستظرفه کشور پهناور ما است.
اين جواهرات و نوادر برای زمامداران و حاکمان در طول تاريخ حکم زينت و زيور را داشته و اغلب شکوه و جلال دربار را نشان می‌داده است، ليکن پشتوانه قدرت و ذخيره خزانه مملکتی نيز محسوب می‌شده است.

**تاريخچه**

اطلاعات دقيقی در مورد کيفيت و کميت گنجينه جواهرات تا قبل از دوران صفويه در دست نيست و می‌توان گفت تاريخچه جواهرات ايران از زمان سلاطين صفوی آغاز می‌شود. نحوه گردآوری و پديد آوردن مجموعه فعلی را به طور اختصار می‌توان چنين بيان داشت:
تا قبل از صفويه، اقلامی از جواهرات در خزانه دولتی وجود داشته است و براساس نوشته‌های سياحان خارجی (ژان باتيست تاورنيه، شواليه شاردن، برادران شرلی، وارنيگ و ديگران) سلاطين صفوی حدود قرن (907 تا 1148 ﻫ. ق.) شروع به جمع‌آوری نفايس و گوهرها نموده و حتی کارشناسان دولت صفوی جواهرات را از بازارهای هند، عثمانی و کشورهای اروپايی مانند فرانسه و ايتاليا خريداری کرده و به اصفهان، پايتخت حکومت می‌آورده‌اند.
بنابراين، در پايان سلطنت شاه سلطان حسين و با ورود محمود افغان به ايران، خزاين دولت توسط مهاجمان افغانی دچار پراکندگی گرديد و مقداری از آنها که بوسيله محمود افغان به اشرف افغان منتقل شده بود، پس از ورود شاه طهماسب دوم به همراهی نادر به اصفهان، به چنگ نادر افتاده و از خروج آنها از ايران جلوگيری شد.
بعداً نادر برای پس گرفتن آن قسمت از جواهرات که به هندوستان رفته بود، نامه‌هايی به دربار هند نوشت، اما جواب نامساعدد شنيد. پس از لشکرکشی نادر به هند (1158 ﻫ. ق.) محمد شاه مبالغی نقدينه، جواهر و اسلحه تسليم نادر کرد. بخشی از اموال و خزاينی که نادر از هندوستان بدست آورده بود، به ايران نرسيد و در راه بازگشت به ايران از ميان رفت. نادر پس از بازگشت به ايران، مقدار قابل ملاحظه‌ای از جواهر ونوادر را به اسم ارمغان برای امراء و حکام و شاهان ممالک همسايه فرستاد. وی همچنين مقداری از اشيای نفيس و مرصع را به آستان حضرت امام رضا (ع) تقديم کرد و مقداری را نيز ميان سپاه خود تقسيم نمود.
در سال 1160 ﻫ. ق. و پس از قتل نادر، احمد بيک افغان ابدالی از سرداران نادر، دست به غارت جواهرات خزانه نادر زد. از جمله اين گوهرها که از ايران خارج شد و هرگز بازنگشت، الماس معروف "کوه نور" بود. اين الماس به دست احمد شاه درانی و رنجيت سينگ پنجابی افتاد. با شکست رنجيت سينگ از انگليس‌ها، "کوه نور" به چنگ کمپانی هند شرقی افتاد و در 1266 ﻫ. ق. / 18/50 م. به ملکه ويکتوريا اهداء شد.

از آن پس تا زمان قاجاريه، باقيمانده خزائن تغييرات چندانی نيافت. در دوران قاجاريه، مجموعه جواهرات، جمع‌آوری و ضبط شد و تعدادی از جواهرات به تاج کيانی، تخت نادری، کره جواهر نشان و تخت طاووس (تخت خورشيد) نصب گرديد.
دو گوهر ديگر که به تدريج به مجموعه اضافه شد، يکی فيروزه که از سنگ‌های قيمتی ايرانی است و از معادن نيشابور استخراج می‌گردد و ديگری مرواريد که از خليج فارس صيد می‌شد.
به موجب قانون مصوب 25 آبان 1316 شمسی، قسمت عمده جواهرات به بانک ملی ايران منتقل گرديد و سپس جزء پشتوانه اسکناس و بعداً وثيقه اسناد بدهی دولت به بانک بابت پشتوانه اسکناس قرار گرفت.
خزانه فعلی جواهرات در سال 1334 ساخته و در سال 1339 با تاسيس بانک مرکزی ايران افتتاح و به اين بانک سپرده شد و اکنون نيز در صيانت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ايران می‌باشد.
در زمان انقلاب شکوهمند اسلامی ايران و جنگ تحميلی، اين گنجينه نفيس و بی‌نظير به همت کارکنان متعهد و انقلابی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ايران حفظ گرديد.
اينک شما گنجينه‌ای از نفايس و سنگ‌های پربها را که طی دوران طولانی در کوره پرتلاطم زمان، دگرگونی و شکل گرفته، در پيش رو داريد. اميد است با مشاهده آن، به ياد آوريم که در نظام الهی جای تاج و نميتاج در موزه است و اين همه يادآور تاريخ خونين و پردردی است که بايد به ما هشدار دهد تا آن همه درد هيچگاه و به هيچ قيمت، ديگر تکرار نشود.

**بهای اين مجموعه چقدر است؟**

در مورد اين مجموعه نفيس سخن بسيار می‌توان گفت، اما به يک پرسش نمی‌توان پاسخ قطعی داد:

بهای اين مجموعه چقدر است؟

هيچکس پاسخ اين سؤال را نمی‌داند، زيرا در اين مجموعه گوهرهايی است که در جهان نظير ندارد. در پاسخ به اين سؤال فقط می‌توان گفت: مجموعه جواهرات ملی ايران از لحاظ هنری، تاريخی و منحصر به فرد بودن در شرايطی است که حتی زبده‌ترين کارشناسان و ارزيابان جهان هم نتوانسته‌اند ارزش واقعی يا تقريبی آن را محاسبه کنند.

**گنجه‌ها و برخی قطعات معروف**

|  |  |
| --- | --- |
| جواهرات و قطعات موجود در خزانه جواهرات ملی در قالب 36 گنجه دسته بندی شده‌اند. محتويات اين گنجه‌ها بسيار متنوع بوده و بطور عمده شامل انواع زيورآلات تزئينی، انواع تاج و نيمتاج، انواع جقه (پيش‌کلاه)، گلدان، سرپوش‌های غذا، قليان، آينه، تنگ‌های مينا، شمعدان، فيروزه، شمشير، خنجر، سپر، ساعت، قلمدان، انفيه‌دان، اشيای آراسته به ياقوت و لعل، تفنگ، عصا، مدال، تخت، سنجاق و گل سينه، مرواريد و... است.در زير برخی قطعات معروف به همراه تصوير و شرح مختصر آنها آورده شده است. | Collections.jpg |

**الماس معروف به دريای نور**

شايد اين الماس در ميان جواهرات ملی ايران، مقام اول را دارا باشد. اين الماس معروف و الماس کوه نور، ظاهراً به علت قرابت نام، پيوسته يک زوج به شمار می‌آمده اند، در حالی که از نظر تراش و رنگ هيچ وجه مشترکی با يکديگر ندارند. هر دو گوهر از آن نادر شاه بود، اما الماس کوه نور، بعد از مرگ نادر شاه، توسط احمدشاه درانی به افغانستان برده شد. بعداز احمدشاه، به شاه شجاع منتقل شد و پس از شکست شاه شجاع به دست سردار هندی، ملقب به شير پنجاب، الماس مزبور به تصرف سردار نامبرده درآمد. اين گوهرها بعدها به دست کمپانی هند شرقی افتاد و بدان وسيله به دربار انگلستان راه جست و به ملکه ويکتوريا هديه گرديد. هم اکنون نيز اين گوهر در تاج ملکه اليزابت، مادر ملکه فعلی انگلستان، نصب است.
الماس دريای نور، پس از قتل نادرشاه، به نوه او شاهرخ ميرزا رسيد، سپس به دست اميرعلم خان خزيمه و بعداً به دست لطفعلی خان زند افتاد. هنگاميکه لطفعلی خان به دست آقا محمدخان قاجار شکست خورد، گوهر مذبور به گنجينه جواهرات قاجار منتقل گشت.
ناصرالدين شاه معتقد بود اين گوهر يکی از گوهرهای تاج کوروش بوده است و خود او بسيار به اين گوهر گرانبها علاقه داشت و زمانی آن را به کلاه و گاهی به سينه خود نصب می کرد و حتی توليت دريای نور را منصبی مخصوص قرار داد و اين افتخار مهم را به اعيان و بزرگان کشور محول می داشت.
دريای نور بعدها داخل موزه دولتی گرديد و اينک زينت بخش خزانه جواهرات ملی است. وزن دريای نور 182 قيراط است و رنگ  آن صورتی است که کمياب‌ترين رنگ الماس است.
در سال 1344، هنگام بررسی جواهرات ملی توسط دانشمندان کانادايی، درباره اين گوهر نکته بسيار جالب توجهی کشف شد:
تاورنيه، سياحتگر و جواهرشناس معروف فرانسوی، در کتاب خود از الماس صورتی رنگ به وزن 242 قيراط سخن می گويد و اشاره می کند در سال 1642 ميلادی آن را در شرق ديده است و نقشه و اندازه های آن را نيز در کتاب شرح می دهد و آن را Grand Table Diamante ( الماس يا لوح بزرگ ) می نامد. رنگ و شکل اين الماس توجه دانشمندان کانادايی را جلب کرد و ايشان معتقدند الماس دريای نور و نورالعين در اصل يک قطعه الماس بوده و بعداً آنرا به دو تکه قسمت نموده اند که تکه بزرگ آن دريای نور نام گرفته و تکه کوچک آن که به وزن 60 قيراط است، نورالعين ناميده شده و در حال حاضر در وسط نيم تاج شماره 2 گنجه 26 قرار دارد.

**تاج پهلوی**

تاج مورد استفاده رضاخان و محمدرضا پهلوی. اين تاج از طلا و نقره ساخته شده و آراسته به الماس های برليان بسيار اعلاء، تخمه های درشت زمرد، ياقوت کبود ومرواريد است. کلاه تاج ابره مخمل قرمز است و در قبه آن که تخمه زمرد خياره در چنگ نشانده، قرار دارد.
تاج، در چهار طرف، دارای چهار کنگره پله پله به شکل تاج های شاهنشاهان ساسانی است که در وسط و زير کنگره پيشين آن، خورشيدی زرين با شعاع های الماس نشان و تخمه الماس زرد درشت نصب شده است و در پشت همين کنگره، جقه پايه دار اسليمی و در پشت آن پر قو قرار دارد.
شمار گوهرهای نشانده شده بر تاج چنين است:  3380 قطعه الماس به وزن 1144 قيراط، 5 قطعه زمرد به وزن 199 قيراط  و 2 آنه، 2 قطعه ياقوت کبود به وزن 19 قيراط و 368 حبه مرواريد غلطان جور. وزن تاج از زر و گوهر و مخمل، با هم، 444 مثقال، يعنی در حدود دو کيلو و هشتاد گرم است.
تاجی که قبلاً در تاجگذاری های دوران قاجار، به کار می رفت، تاج کيانی بود، ولی رضاخان پهلوی مايل نبود در تاجگذاری خود از آن استفاده کند. از اين روی، در سال 1304 خورشيدی، گروهی از جواهرسازان ايرانی، زيرنظر سراج الدين جواهری، جواهرساز معروف قفقازی و جواهرساز امير بخارا که از روسيه به ايران مهاجرت کرده بود از گوهرهای منتخب، تاج مزبور را ساختند و رضاخان و محمدرضا پهلوی، برای تاجگذاری های خود از آن استفاده کرده اند.

**جقه نادری**

|  |  |
| --- | --- |
| جقه نادری، آراسته به الماس و زمرد، که در وسط آن يک تخمه زمرد دامله درشت خوشرنگ نصب شده است. در زير جقه، سه آويز زمرد خوشرنگ امرودی آويخته شده است. قسمت بالای جقه، هفت شقه است و در دو طرف شقه ها نيز دو ريسه و برگ و گل الماس نشان ساخته اند و از نوک شقه های جقه، دو آويز زمرد بسيار اعلای سعيدی امرودی آويخته شده است. در بالای تخمه وسط، هلال الماس نشان و در پايين، در دو سو، شبيه درفش، طبل، لوله توپ و سرنيزه روی زه زين نصب شده است. پارچه درفش به سه رديف ياقوت، الماس و زمرد کمرنگ تقسيم شده است. تمام جقه، آراسته به الماس های فلامک خوش آب و درشت و ريز است. رضاخان پهلوی، از جقه مزبور گاهی استفاده می کرد. وزن جقه 33 مثقال و 16 نخود است.( ساخت ايران، سده 12 ﻫ. ق. ) | NadirAigrette.jpg |

**تاج کيانی**

|  |  |
| --- | --- |
| تاج فتحعلی شاه، معروف به تاج کيانی، که آراسته به الماس، زمرد، ياقوت و مرواريد است. اين تاج در زمان فتحعلی شاه ساخته شد و مورد استفاده سلاطين قاجاريه قرار گرفت.اين تاج اولين تاجی است که پس از دوران شاهنشاهی ساسانی به اين صورت ساخته شده است.( ساخت ايران، 1212 ﻫ. ق. ) | KianiCrown.jpg |

**کره جواهرنشان**

|  |  |
| --- | --- |
| اين کره در سال 1291 هجری قمری، به دستور ناصرالدين شاه، توسط گروهی از جواهرسازان ايرانی به سرپرستی ابراهيم مسيحی از جواهرات پياده ای که در خزانه موجود بود، ساخته شد. وزن خالص طلای به کار رفته در اين کره  34 کيلوگرم و وزن جواهرات آن 3656 گرم است. تعداد کل جواهراتی که در روی کره نصب شده، بالغ بر 51366 قطعه است. پيدا کردن کشورهای مختلف در ميان برق سنگهای گوهرها کار مشکلی است، زيرا به نظر می آيد مهارت سازنده آن در جواهر سازی، بيش از نقشه کشی بوده است. درياهای روی کره به وسيله زمرد و خشکی ها به وسيله ياقوت نشان داده شده است. آسيای جنوب شرقی، ايران و انگلستان با الماس، هندوستان با ياقوت روشن و آفريقای مرکزی و جنوبی با ياقوت کبود مشخص شده است. خط استوا و ساير خطوط جغرافيايی با الماس نشان داده شده است. قطر کره تقريباً دو پا (66 سانتيمتر) است و روی پايه ای که تماماً از طلای آراسته به جواهرات است، قرار دارد. | GoldenGlobe.jpg |

**تخت طاووس (تخت خورشيد)**

به فرمان فتحعلی شاه در سال 1216 هجری قمری، تختی عظيم و مجلل به مباشرت نظام الدوله محمدحسين خان صدر اصفهانی فرمانفرمای اصفهان با جواهر و طلای موجود در خزانه ساخته شد و به مناسبت نقش خورشيد مرصعی که در صدر تخت تعبيه شده است به نام تخت خورشيد معروف گرديد.
تخت خورشيد سالها به همان نام ناميده می شد تا اينکه فتحعلی شاه با طاووس تاج الدوله ازدواج نمود. از همان زمان به مناسبت نام او، تخت به نام طاووس مشهور شد. بعضی از ايرانيان می پنداشتند که تخت مذکور همان "تخت طاووس" هند است و با مقايسه و توصيفی که تاورنيه از تخت طاووس کرده و آنچه خود از تخت طاووس موجود ديده و استنباط کرده به اين نتيجه رسيده که ادعای مدعيان باطل است و برای اطمينان و تأييد نظر خود با ناصرالدين شاه مذاکره و از ايشان استفسار کرده و مطمئن شده است تخت طاووس به امر فتحعلی شاه ساخته شده و به نام همسر او طاووس خانم، تخت طاووس ناميده شده است. پس از درگذشت فتحعليشاه، سالها بعد ناصرالدين شاه که در ضبط و ربط جواهر و نفايس سلطنتی، عنايت خاص داشت دستور داد تا تخت ياد شده را تعمير کرده و تغييراتی جزئی در شکل ظاهر آن دادند از جمله اشعاری که مضمون آنها کيفيت تعمير تخت به امر ناصرالدين شاه است، در کتيبه اطراف تخت به خط نستعليق خوش در مصراعهای مجزا از يکديگر روی زمينه زر، به مينای لاجوردی نگاشته شده است. اين مصراع ها فعلاً مرتب و دنبال يکديگر نصب شده است و پيداست که در تعمير بعدی آنها در جای خود نشانده‌‌اند. تخت مذکور تا سال 1360 در تالار کاخ گلستان نگهداری می گرديد. در تاريخ 17/6/1360 به خزانه جواهرات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ايران انتقال يافت تا همواره با توجه به تجانس اين تخت با جواهرات موجود در خزانه (موضوع قانون سال 1316 شمسی) نگهداری شود.

منبع: <http://www.cbi.ir/page/2408.aspx>

***حسابدار مسؤل اداره استاندارد کاشان***

 *حمدان مقدم*